

مشکلات صادرات نفت ایران به هند و بازی عربستان

یکی از مسائل ایران و بازار جهانی نفت در ماه‌های گذشته، مشکل پرداخت وجوه نفت توسط دولت هند به ایران بود. انباشته شدن بدهی نفتی کشور هند مقامات ایرانی را در آستانه تصمیم‌گیری سختی قرار داده بود که آیا صادرات نفت به هندوستان را ادامه بدهند یا متوقف نمایند. در چنین شرایطی دولت عربستان به مقامات هندوستان اطمینان خاطر داد که در صورت قطع صادرات نفت ایران به هند، عربستان سعودی نفت‌خام مورد نیاز این کشور را تأمین خواهد نمود.

این موضوع از دو منظر قابل بررسی است یکی اینکه چرا هندی‌ها پول نفت ایران را نمی‌دهند و دیگری اینکه چرا دولت عربستان وارد این ماجرا شد؟

مسأله حداقل در ظاهر، این نیست که هندی‌ها نخواهند وجوه مربوط به نفت برداشتی از ایران را پرداخت کنند، چون چنین کاری با هیچ منطقی سازگار نیست که کشوری کالائی را از کشور دیگر تقاضا و خریداری کند و وجه آن را نپردازد. بلکه مسأله به محدودیت‌های ایجاد شده بر سر راه نقل و انتقالات بانکی بین‌المللی بر علیه ایران باز می‌گردد. دور جدید تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران که از چند سال پیش آغاز گردیده و توسط امریکائی‌ها پیگیری و مدیریت می‌شود، عمدتاً نقل و انتقالات پولی بین‌المللی مربوط به ایران را هدف گرفته است و محدودیت‌های روزافزونی را در این رابطه اعمال می‌نماید. در میان تعداد بیشمار بانک‌های ملی و بین‌المللی که در سطح جهان فعالیت دارند تنها معدودی از بانک‌های بین‌المللی هستند که نقل و انتقالات ارقام بزرگ را در سطح بین‌المللی و بین دیگر بانک‌های جهان انجام می‌دهند. در دنیای امروز دوران تجارت پایاپای، گذشته است و پول وسیله مبادله است که در مقیاس‌های بزرگ نیز تنها از طریق بانک‌ها جابجا می‌شود. اگر بانک‌ها حاضر به نقل و انتقال وجوه برای کشوری نباشند عملاً اقتصاد آن کشور قفل می‌شود. نه می‌تواند از درآمد صادراتی خود استفاده کند و آن را دریافت کند و نه می‌تواند پرداخت‌های

خود را برای واردات کالاهای مورد نظر انجام دهد. البته ممکن است جهت‌گیری محدودیت‌های بانکی در جهت قفل شدن کامل یک اقتصاد نباشد بلکه در جهت کنترل و هدایت آن باشد، به این معنا که مثلاً سیستم بانکی بین‌المللی در مورد بعضی پرداخت‌های یک کشور مسامحه نشان دهد و در مورد پرداخت‌های دیگر سخت‌گیری کند.

در اواخر دوران حکومت صدام‌حسین در عراق، یک طرح تحریمی اقتصادی تحت عنوان: "نفت در برابر غذا و دارو"، توسط سازمان ملل علیه دولت عراق اجرا شد. براساس این طرح، سهمیه محدودی برای صادرات نفت به دولت عراق داده می‌شد و وجوه فروش نفت به حساب‌های سازمان ملل می‌رفت و تحت کنترل سازمان ملل تنها می‌توانست صرف تأمین ارزاق و مایحتاج مردم عراق و نیز تأمین دارو و امکانات بهداشتی برای آنها شود. در واقع جهت‌گیری آن تحریم آن بود که دولت عراق نتواند از درآمد نفت برای پیگیری نیات و برنامه‌های خود استفاده کند بلکه تنها برای تأمین نیازهای مردم از آن استفاده شود.

البته رژیم صدام برای دور زدن همان تحریم و تأمین مالی اهداف و مقاصد خود راه پیدا کرده بود. یک راه فروش نفت خام بیش از سهمیه تعیین شده توسط سازمان ملل و فروش آن بصورت زیرزمینی و از راه قاچاق بود و راه دوم: صادرات مجدد مواد غذایی و داروهای وارد شده به کشور و نقد کردن آن بود. اینک به نظر می‌رسد به نوعی همان طرح علیه ایران به نوع دیگری بکارگرفته شده است اما این بار نه از طریق سازمان ملل، بلکه از طریق نظام بانکی بین‌المللی. نفت در بازار جهانی فروخته می‌شود اما بانک‌های بین‌المللی وجوه آن را نقل و انتقال نمی‌دهند. ممکن است در مورد واردات کالاهای مصرفی به کشور سهل‌تر عمل کنند اما در مورد واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای سخت‌گیرانه‌تر عمل کنند، ممکن است دولت در وارد کردن روغن و برنج و گوشت و میوه مشکل چندانی نداشته باشد ولی مثلاً در مورد وارد کردن تجهیزات مربوط به پروژه‌های فازهای مختلف میدان مشترک پارس جنوبی مشکل داشته باشد. در این صورت دولتی که توسعه‌گرا باشد و سرمایه‌گذاری‌های اساسی و زیرساختی و اشتغال‌زا که آینده یک جامعه مولد را تضمین می‌کند، برایش مهم باشد، با این تحریم‌ها و محدودیت‌های بانکی مشکل خواهد داشت. اما دولتی که

توسعه‌گرا نباشد و صرفاً تأمین نیازهای مصرفی امروز مردم برایش مهم باشد مشکل چندانی با چنین تحریم‌هایی نخواهد داشت. خصوصیت دیگر چنین تحریمی از نظر وضع‌کنندگان آن، این است که محدودیت‌های بانکی بین‌المللی در واقع یک تحریم کم سروصدا و خاموش است و در حالی که دولت ملی نیز دائماً این تحریم‌ها را بی‌اثر می‌خواند، افکار عمومی داخلی علیه تحریم‌کنندگان بسیج نمی‌شود. بررسی بعضی از مطالعات و مباحثات داخلی امریکا در زمینه بررسی تحریم‌های مختلف علیه ایران، نشان می‌دهد که مسأله افکار عمومی ایرانیان برای آنها مهم بوده و حداقل یکی از پارامترهای مؤثر بر تصمیم‌گیری بوده است.

شاید در زمانی که طرح نفت در برابر غذا علیه رژیم عراق به اجرا گذاشته شد، هنوز سیستم نقل و انتقالات بانکی بین‌المللی مانند امروز منسجم و تحت کنترل امریکا نبود که بتواند همه جابجائی‌های بانکی رژیم عراق را به دقت رصد کند و جلو هر کدام را که خواست بگیرد. اما امروز به مدد گسترش سیستم‌های الکترونیک بانکی این امکان بسیار فراهم‌تر است، به خصوص اینکه با وجود آمدن قوانین و مقررات بین‌المللی علیه پدیده پول‌شوئی، سیستم‌ها و نرم‌افزارهای رصد کردن نقل و انتقالات بانکی بین‌المللی بسیار توسعه یافت تا بتواند نقل و انتقال پول را رصد کند و با پدیده مذکور مقابله کند. این امکانات نیز اینک در اختیار وضع‌کنندگان محدودیت‌های بانکی علیه ایران قرار دارد.

بنابراین باتوجه به آنچه ذکر شد، حرف هند و کره جنوبی و دیگران این است که مشکلی برای پرداخت پول نفت ایران ندارند اما در حال حاضر یا راهی برای منتقل کردن این پول از طریق بانک‌ها به بانک مقصد مورد نظر ایران وجود ندارد و یا چنین نقل و انتقالی بسیار دشوار است و حتی اگر آن پول منتقل شود ممکن است در جای دیگری عملاً بلوکه گردد. بنابراین یا باید با این کشورها پایاپای معامله کرد یعنی در مقابل پول نفت از بازار داخلی آنها کالا خریداری نمود و یا کار مشکل و پیچیده خواهد شد. در مورد پایاپای کردن، ممکن است در بازار بزرگ و با تولیدات متنوع (و البته کم کیفیت) مانند چین مشکل کمتر باشد و بتوان بخشی از نیازهای کشور را از آنجا تأمین کرد. اما در مورد بازار محدودی مانند هند مشکل بزرگتر است.

موضع‌گیری عربستان را چگونه می‌توان توجیه کرد؟ ابتدا باید دانست که در مورد ظرفیت مازاد تولید نفت مورد ادعای عربستان آنهم بصورت قابل تداوم، تردیده‌های جدی وجود دارد. عربستان سعودی علی‌رغم همه ادعاهای خود، حتی در مورد جبران توقف تولید نفت کشور لیبی (ناشی از تحولات اجتماعی این کشور) نتوانست اقدامی مؤثر و جدی انجام دهد. پس چرا در چنین شرایطی عربستان چنین اطمینان خاطری به هندی‌ها می‌دهد؟

در شرایطی که به دلیل تحولات لیبی، نفت این کشور از بازار جهانی خارج شده و بازار نفت با کمبود روبرو است و این کمبود قیمت‌ها را در سطوح بالائی قرار داده است که مورد رضایت کشورهای صنعتی مصرف کننده نیست، طبعاً تحریم نفتی ایران و خارج کردن نفت ایران از بازار جهانی به سادگی ممکن نیست و می‌تواند قیمت‌های جهانی نفت را به سطوح بی‌سابقه‌ای برساند که بحران‌های موجود در اقتصادهای صنعتی را تشدید کند. در چنین شرایطی بهترین گزینه برای وضع‌کنندگان تحریم علیه ایران همان است که دولت ایران نفتش را صادر کند، اما عملاً از دسترسی راحت به پول آن محروم بماند. از سوی دیگر بازار جهانی نفت بازاری یکپارچه است و هر جا کمبودی بوجود آید اثر آن به سرعت در کل بازار و قیمت‌های جهانی نفت منعکس می‌شود. اگر صادرات نفت ایران به هند قطع شود باید این نفت را از جای دیگری تأمین کند و بازار دچار کمبود خواهد شد. بنابراین به نظر می‌رسد که بهترین گزینه برای کشورهای صنعتی تداوم صادرات نفت ایران به هند است. در نتیجه همان‌گونه که در ابتدا نیز ذکر شد، هنگامی که نظام تصمیم‌گیری کشور به دلیل حجم عظیم بدهی هند، در آستانه تصمیم‌گیری و تجدیدنظر در مورد تداوم فروش نفت خام به این کشور قرارداد، بهترین کار این است که تصمیم‌گیران در حاکمیت ایران از تصمیم به قطع صادرات نفت به هند منصرف شوند. دو عامل می‌تواند به این انصراف کمک کند. یکی نگرانی نسبت به از دست دادن یک بازار سنتی برای فروش نفت که از دیرباز در اختیار ایران بوده است. عامل دیگر مختصر گشایشی در دریافت بخشی از مطالبات از هند است که امیدهایی را در این زمینه بوجود آورد. دقیقاً در چنین شرایطی بود که مقامات عربستان دست بکار شدند و با اعلام آمادگی خود نگرانی از دست دادن بازار هند را برای ایران بوجود

آوردند تا تصمیم‌گیری را برای مقامات کشور دشوار کنند. مقامات عربستان با این کار بزرگترین خدمت را هم به همه کشورهای مصرف‌کننده و هم به کشور هند کرده‌اند.

حداقل تا زمانی که نفت لیبی از بازار خارج است چنین نحوه‌ای از اعمال تحریم، مناسب‌ترین نحو برای کشورهای مسلط خواهد بود اما با سرنگونی یک دیکتاتور دیگر در لیبی، نفت این کشور به تدریج به بازار برمی‌گردد و با بازگشت کامل این نفت به بازار جهانی ممکن است سناریوهای جدیدی برای ایران رقم بخورد.

باید گوش بزنگ بود و هشیار.